

سخت گیری!

❁ کودک دشوار چگونه بوجود میآید؟

❁ کنترل شدید و زیان های آن

* * *

❁ کودک دشوار چگونه بوجود میآید

بدون تردید اجتماع فاسد ، در انحراف جوانان ، نقش مؤثری را ، به عهده دارد ، محیط آلوده ؛ همچون سیل بیابان کنی ؛ جوانان ساده و دختران موصوم مارا ، در خود فرو میبرد ، در حلال غرث و صدای مهرباب سیل فساد ؛ ناله و فریادهای ، فریادیان اجتماع بگوش نمیرسد . ناکت پیدا است ، که سهم مهمی از این نوع گمراهی ها ، مربوط به مسامحه و سهل انگاری پدران و مادران است ، خانواده ها اگر بوظایف اصیل خود ، رفتار کنند ، و مسائل تربیتی را کاملاً رعایت نمایند خود و فرزندان شان از فساد اجتماع برکنار خواهند ماند ، چه تربیت صحیح ، بشمار قابل توجهی برای آنها مساویت میآورد .

یکی از روانشناسان غربی ، میگوید ؛ شاید باجرات گفت ؛ پیش از تربیت اطفال دشوار باید اولیاء آنها را تربیت کرده ، این جمله ارزش فوق العاده ای داراست ، زیرا چگونه میتوان انتظار داشت که نون خانوادگی که خود معتزلزل بوده و در تمام ایام گرفتار جنگ و جدال و جدائی است و یک لحظه صمیمیت و یگانگی در آن راه ندارد ، فرزندان شان از گمراهی محفوظ مانده ، بلکه جنگ و خشونت محیط خانه است که راه گمراهی را بروی کودکان بازمی کند . روی همین واقعیت است ، که اصولاً کودکان دشوار را در مقام تعریف ؛ بکودکانی می گویند ؛ که بد تربیت شده اند ، بنا بر این میتوان نتیجه گرفت ، که سهم زیادی از انحراف جوانان وابسته آشنا نبودن پدران و مادران با اصول تربیتی است .

* * *

❁ کنترل شدید و زیان های آن

❁ برخی از پدران ؛ بر اثر تمدان رشد اجتماعی و فساد محیط تربیت فرزند را خود به عهده

می گیرند ؛ عقیده دارند که باید تمام حرکات و سکنات فرزندان را بررسی کامل نمود، و در جزئی ترین کارها عقاید خود را با تحصیل می کنند . این عده تربیت فرزندان را بر اساس کنترل شدید استوار می نمایند . در نتیجه آزادی فکر و عمل ، از کودک سلب می گردد ، این نوع کودکان مانند بردگانی ، اسیر اوامر و نواهی اولیاء خود می باشند ، محیط خانه که باید کانون آسایش و صمیمیت باشد برای این کودکان حکم زندان را دارد ؛ نتایج شومی که از این نوع تربیت عائد اجتماع می گردد ، فراوان است ، در اینجا به برخی از آنها اشاره می شود :

۱ - در چنین وضعی کودک بجای صمیمیت و یگانگی مجبور می گردد تپاچه دفاعی بخود گرفته ، بدروغ گوئی عادت کند ؛ چه در اظهار واقعیات با داده بیداد و فحش و ناسزا و گاه با کتک خوردن روبرو خواهد بود ، در مثل چنین کودکان وسیله دفاعی و گریز از این نوع ناراحتی ها ، خلاف گوئی است !

۲ - زیان دیگری که در اثر این نوع تربیت عاید کودک می گردد ، ناپودی شخصیت و استقلال اوست ؛ چه این نوع مداخلات و سخت گیری ها پیش از اندازه ، نیروی تشخیص کودک را از بین می برد ، چنین فرزندان خواهی پدید آید که در کودکی انجام می دهند ، و بطور غیر مستقیم دچار یکتوح عقارت روحی می گردند ، در نتیجه چنین کودک پس از مدتی نیروی ابتکار و شخصیت را از دست می دهد ، و انگیزه تقلید در او بحالت افراطی درمی آید ، این دسته از کودکان وقتی بزرگه میشوند توانائی مبارزه با مشکلات را ندارند ؛ زود دچار شکست می گردند ، مشکلات زندگی در اندک زمانی آنان را خرد و پامال می سازد ، همیشه هاله ای از بسا و بزمردگی در چهره آنان هویداست ، و از نشاط و شادابی اثری در رفتار و کردارشان دیده نمی شود .

۳ - تعلیم و تربیت وقتی بر اساس تهدید و زور استوار شده باشد ؛ اثر تربیتی در کودک بوجود نمی آورد ، کودک برخلاف میل طبیعی کاری را انجام میدهد ، و از عملی خودداری نمی نماید بدون اینکه چشمه تمایلات او بجوش در آمده باشد ؛ روی همین اصل ، نفس و اثبات کودکان نمیتوان دلیل تربیت و ارشاد اودانست ، در این نوع تربیت باز بین رفتن عامل قهر ، حرکات و سکنات با سرعت فوق العاده تغییر مسیر می دهند .

بسیار دیده شده است ، که فرزندان از خاندان تقوی و فضیلت ، در اثر محدودیت های زیاد پس از در گذشت زمان جبر و تهدید و بر خودداری از آزادی ، فساد و تباهی زنده ای

دچار میگردند که باعث تمجید و شگفتی دیگران میشوند .

۴ - دختر و پسر ، نیازمند لطف اولیاء خود هستند ، باید در زیر بالهای مهر و محبت پدر و مادر پرورش یابند این نیازمندی در دوران بلوغ شدت مییابد ، پدران و مادران عاقل در چنین مواقع حساسی با فرزندان خود ، نقش یک رفیق و دوست صمیمی را بازی می کنند ، تا با تجربه و دوراندیشی ، فرزند دلبندشان را از انحراف و سقوط نگهداری کنند ، رابطه فرزند و پدر ؛ اگر بوسیله تهدید و اجبار برقرار باشد بمرور زمان فاصله آندو از یکدیگر زیادتر می گردد ، کودکی که در محیط خفقان و فشار زندگی می کند ، نمیتواند خانه پدر و مادر را بعنوان پناهگاه بپذیرد ؛ بناچار خود را به امان دیگران می اندازد ، نتایج شوم این پناهندگی و عواقب خطرناک آن بر همه آشکاراست .

چه بسیارند دختران و پسرانی که تاب سخت گیری ها را نیاورده ، از خانه فرار می کنند ؛ و مشکل «کودکان فراری» را بوجود می آورند .

۵ - زبان دیگری که از نظر روانی برای چنین کودکانی بوجود میآید ، اینست که محرومیت و رفتار تند و خشن ، در روحیه آنان اثر می گذارد ، و عقده هایی در روان آنان بوجود میآید ، که پس از گذشت زمان ، عقده ها بصورت کینه توزی ، تند خوئی ، بدبینی ، خشونت و گاه بشکل طغیان و سرکشی ظاهر میگردد ! .

نزدیکترین افراد بخداوند

امام صادق (ع) میفرمود :

ثلاث هم اقرب الخلق الى الله يوم القيمة حتى يفرغ من الحساب :
 ورجل لم تدعه قدرة في حال غضبه ان يحيف على من تحت يده ،
 ورجل مشى بين اثنين فلم يمل مع احدهما على الاخر بشعيرة ورجل
 قال بالحق فيماله وعليه :

سهده از مردمند که در رقابت تا با یاران حساب از همه بخداوند نزدیکترند ؛ اول صاحب قدرتی که در حال خشم و برافروختگی بزرگ دست خود شتم نکند ، دوم آنکس که در حکمیت بین دو نفر مرتکب کوچکترین تجاوزی از حق و عدالت نشود ، سوم کسی که همیشه بحق سخن بگوید ، خواه بفرع خودش باشد یا برترش .